

تاریخ



زاهدان/سیستان و بلوچستان

حمیده ذوالفقاری

عکس‌ها:

حامد غلامی

گریزی به دومین پایتخت سرزمین سیستان در دوران اسلامی

زاهدان کهنه مدفن ۴۴۰ پیر

مهرماه است. به سمت دیار پدری ام یعنی سرزمین هزاره‌های سر به مهر تاریخ سفر می‌کنم. کهن دیاری که روزگارانی دور، برخلاف امروزش که قهر طبیعت با بی‌معرفتی همسایه و البته بی‌برنامگی‌ها، ظاهری غبار آلود و خشک به آن داده، سرزمینی آباد، حاصلخیز و با نشاط بود که از آن با عنوانین شایسته‌ای چون «انبار غله آسیا» و «سبد نان خراسان» یاد می‌شد. مقصد ما سیستان است، سرزمین رستم دستان. وارد منطقه می‌شوم و با حسرت به وضعیت امروزش می‌نگرم و عکس‌های گذشته‌اش را که در آلبوم خانه پدری‌ام به یادگار مانده در ذهنم تداعی می‌کنم تا اینکه در ۲۰ کیلومتری جنوب شرق زابل و حدود ۹ کیلومتری شمال تپه زک با تابلویی مواجه می‌شوم که روی آن «زاهدان کهنه» حک شده است. زاهدان کهنه، شهری است تاریخی که روی بلندی واقع شده و در روزگار حیات و آبادانی، یکی از شهرهای بزرگ ایران به شمار می‌رفت.

هجری بوده و دیگر قطعات ظروف سفالی زاهدان کهنه به دوره ایلخانی می‌رسد و به نظر می‌آید که این شهر با لشکرکشی‌های تیمور یان در روزگار شاه‌شاه، برای همیشه متروک شده است».



بسیار برای من مهم است بدانم آیا این شهر از همان زمان زاهدان کهنه نام داشت و دلیل این نام‌گذاری چیست که در این باره نیز ابراهیمی اظهار می‌کند: «نام اصلی این محوطه باستانی، شهر سیستان بوده و زاهدان، نامی است که پس از حمله امیر تیمور گورکانی به خرابه‌های این شهر تاریخی داده شده است».

بر اساس گفته‌های این کارشناس، هنگامی که امیر تیمور شهر سیستان را که دارالحکومه بود تصرف کرد، هنرمندان، دانشمندان، صنعتگران، عرفا، وزاهدان بزرگوار سیستان از این بخشش مشروط تیمور استقبال نکردند و مردن در زادگاه خویش را به رفتن در سرزمین دشمن ترجیح دادند.

تیمور که این جسارت و سرسختی را دید، برآشفته و دستور داد همه آن ۴۴ تن را از دم تیغ گذرانده و در یک گور دسته‌جمعی دفن کنند. از آن پس تاکنون مردم سیستان به پاس احترامی که برای آن ۴۴ پیر قائل بودند، نام این شهر را که مدفن آن بزرگواران بود، زاهدان گذاشتند.



در محل زاهدان کهنه و اطراف آن، مجموعه‌ای از بناهای دوران اسلامی وجود دارد که یکی از این مجموعه‌ها در فاصله ۲۵۰ متری شمال شرقی ارگ زاهدان کهنه قرار دارد. از این شهر تاریخی امروزه فقط برج و باروی آن و قلعه تیمور باقی مانده است. دیوار و حصار خارجی قلعه حدود ۲ کیلومتر و حداکثر پهنای آن بین یک تا ۱/۵ کیلومتر است.

سالم‌ترین و کامل‌ترین بخش‌های باقیمانده این شهر قدیمی، قلعه آن است. این قلعه مرکب بوده و از بنایی چند ضلعی با برج‌های نیم‌دایره و دودایره خارجی با خشت خام ساخته شده است. در میان این خشت‌ها ردیف آجرها نیز دیده

از خودرو پیاده می‌شوم تا این یادگار به جای مانده از گذشته را از نزدیک به تماشا بنشینم. پرسش‌های زیادی ذهنم را درگیر می‌کند و بی‌صبرانه دنبال پاسخی برای آن هستم تا اینکه کارشناسانی از میراث فرهنگی را در همان حوالی مشاهده می‌کنم. سلامی می‌دهم و با کنجکاوی زیاد سؤالاتم را آغاز می‌کنم.

«محمد علی ابراهیمی» یکی از کارشناسان خبره اداره کل میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان پاسخگویم می‌شود. او می‌گوید: «این شهر تاریخی در طول سده‌های ۴ الی ۹ هجری قمری مرکزیت سیستان را بر عهده داشت و از نخستین موارث فرهنگی ملی استان نیز به شمار می‌رود».

بر اساس گفته ابراهیمی، زاهدان کهنه در اوایل قرن پنجم هجری قمری و پس از آنکه شهر زرنگ اعتبار سیاسی و نقش مرکزی خود را از دست داد، بنیاد نهاده شد و تا سده نهم هجری قمری نیز همچنان و بدون وقفه دارالحکومه سیستان بوده است.

این شهر با حمله تیمور گورکانی در سال ۷۸۵ قمری به شدت تخریب شد و سپس با حمله شاه‌رخ تیموری در سال ۸۱۱ قمری که با خرابی سده‌های سیستان همراه بود، به تباهی کشیده شد و از آن پس نیز برای همیشه در بستر تاریخ، خفته ماند.



خرابه‌های شهر تاریخی زاهدان کهنه برای نخستین بار در سال ۱۹۱۵ میلادی از سوی یک باستان‌شناس انگلیسی به نام ا. اشتاین مورد مطالعه قرار گرفت. وی ضمن معرفی و توصیف برخی از خرابه‌ها و بناهای تاریخی موجود در این محوطه از جمله قلعه مرکزی، دیوار شارسن، قلعه تیمور، مسجد و بنای معروف به یخدان و میل قاسم آباد، برخی از قطعه سفال‌های موجود در سطح محوطه را جمع‌آوری کرد و طرح آن‌ها را نیز در گزارش خود به چاپ رساند.

درباره آثار تاریخی این شهر کهن نیز می‌پرسم. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان می‌گوید: «قدیمی‌ترین سفالینه‌های بدست آمده از منطقه، مربوط به ظروف سفالی با تزئین قالب‌زده بوده که بیشتر نقش‌هایی شامل طرح‌های هندسی و گل و گیاه دارند که قدمت آن مربوط به قرن ۵ و ۶